

جمعیت علمی

سازمان بنیاد امور اجتماعی

93

گاه روزانه های دیروز ... و امروز



محمد ایل بیگی

محمد احمدی موحد: ویژگیهای جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی مهاجران خارجی

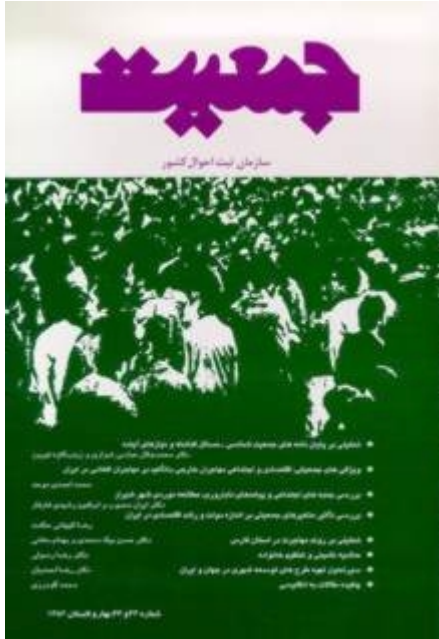
با تأکید بر «مهاجران افغانی در ایران»

(فصلنامه جمعیت، سال دهم، شماره 43 و 44، بهار و تابستان 1382)

- 1- جمعیت مهاجران افغانی در ایران: بررسی آماری و اجتماعی
- 2- ویژگیهای جمعیتی و اقتصادی مهاجران افغانی در ایران
- 3- وضعیت اجتماعی و فرهنگی مهاجران افغانی در ایران
- 4- چالشهای اقتصادی و اجتماعی مهاجران افغانی در ایران
- 5- نقش مهاجران افغانی در اقتصاد ایران
- 6- وضعیت حقوقی و اجتماعی مهاجران افغانی در ایران
- 7- جمعیت مهاجران افغانی در ایران: بررسی آماری و اجتماعی
- 8- ویژگیهای جمعیتی و اقتصادی مهاجران افغانی در ایران
- 9- وضعیت اجتماعی و فرهنگی مهاجران افغانی در ایران
- 10- چالشهای اقتصادی و اجتماعی مهاجران افغانی در ایران

فصلنامه جمعیت سال دهم شماره 43 و 44 بهار و تابستان 1382

تحلیلی بر پایان نامه های جمعیت شناسی مسائل گذشته و نیازهای آینده



دکتر محمد جلال عباسی شوازی زینب کاوه فیروز

ویزگیهای جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی مهاجران خارجی با تأکید بر «مهاجران افغانی در ایران»

محمد احمدی موحد

بررسی جنبه های اجتماعی و پیامدهای ناباروری مطالعه موردی شهر شیراز

دکتر ایران محبوب ابراهیم رشیدی فارفار

بررسی تأثیر متغیرهای جمعیتی بر اندازه دولت و رشد اقتصادی در ایران

رضا کیهانی حکمت

تحلیلی بر روند مهاجرت در استان فارس

دکتر حسن بیک محمدی بهنام مغانی

حاشیه نشینی و تنظیم خانواده

دکتر رضا رسولی

سیر تحول تهیه طرحهای توسعه شهری در جهان و ایران

دکتر رضا احمدیان

ویژگیهای جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی مهاجران خارجی

با تأکید بر «مهاجران افغانی در ایران»

محمد احمدی موحد^[1]

چکیده

سالیان درازی است که مهاجران خارجی، بویژه مهاجران افغانی، در جای جای کشورمان سکونت دارند. هیچ استانی نیست که ساکنان آن با این مهاجران برخورد نداشته باشند و میان آنها مراوداتی صورت نگیرد، این روابط در بعضی جنبه ها آن چنان عمیق بوده که حتی در صورت بازگشت مهاجران به کشورشان، باز هم تا سالیان دراز اثراتی که از خود بجای گذاشته اند از بین نخواهد رفت. از جمله ارتباطات عمیق ایجاد شده، می توان به ازدواج تعدادی از ایرانیان (بویژه زنان ایرانی) با مهاجران اشاره نمود. بنابراین مسئله مهاجران خارجی مانند مسائل مهم دیگری که کشورمان با آن مواجه است از اهمیت خاصی برخوردار است که بایستی به این موضوع و مسائل آنان نیز، موشکافانه و دقیق پرداخته شود.

هدف اصلی این نوشتار بررسی «ویژگیهای جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی مهاجران خارجی با تأکید بر مهاجران افغانی در ایران» می باشد تا بدین وسیله نسبت به این خیل عظیم از مهاجران خارجی شناخت پیدا نموده و تا حد امکان بتوان، به جنبه های مختلف تاثیر حضور آنان دست یافت.

این مقاله با استفاده از اطلاعات اداره کل امور اتباع و مهاجران خارجی وزارت کشور که در طرح شناسایی سال 1380 جمع آوری نموده، تهیه شده است.

واژگان کلیدی

مهاجران افغانی، بعد خانوار مهاجران خارجی، نوع مذهب مهاجران خارجی، نوع قومیت مهاجران خارجی

مقدمه

افغانستان، کشوری که سالها عرصه رقابت قدرتهای مختلف بوده است به دنبال دخالتهای جهانی و تحت تأثیر اوضاع داخلی این کشور، پدیده مهاجرت مردم به خارج از کشور بصورت بسیار حاد رخ داد.

از سال 1352 به بعد به دنبال کودتای سردار محمد داوود علیه ظاهرشاه و متعاقب آن کودتای نورمحمدترکی رهبر حزب خلق علیه داوود در سال 1357، ایران یکی از کشورهای پذیرای مهاجران افغانی گردید. این مهاجران، بسرعت وارد ایران شده و در مناطق مختلف روستایی و شهری سکونت گزیده و با جمعیت ایرانی در این مناطق مراودات گوناگون اقتصادی برقرار نمودند.

در ابتدا تصور می شد که دوران اقامت آنان در ایران کوتاه باشد، لیکن به جهت استمرار نابسامانیهای سیاسی و رکود و توقف رشد اقتصادی در آن کشور، مهاجران در ایران ماندگار شدند و طولانی شدن مدت اقامت آنان موجب گستردگی مراودات بین مهاجران و جمعیت ایرانی گردید.

تعداد مهاجرین افغانی در بعضی سالها به بیش از 2/8 میلیون نفر رسید (نظری تاج آبادی، 1369، ص 164). علیرغم این وضع، سرشماریهای کشور نه تنها بخش اندکی از آنان را مورد سرشماری قرار داد، بلکه حتی برای این افراد نیز ویژگیهای جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی را منتشر نمود. از اینرو شناخت خصوصیات جمعیتی و ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی آنان و به همان ترتیب تعلقات قومی، مذهبی و سیاسی آنها از اهمیت ویژه ای برخوردار شده است.

این مقاله می خواهد با توجه به اطلاعات جمع آوری شده، در سال 1380، تا آنجا که مقدور است ویژگیهای فوق را مورد بحث و بررسی قرار دهد و اطلاعات نسبتاً جامعی درباره آنها بدست آورد.

ضرورت و اهمیت موضوع

سالیان درازی است که مهاجران افغانی در ایران اقامت دارند و در طول این سالیان با جمعیت بومی مراودات زیادی داشته اند و بر ابعاد مختلف جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی مناطق مختلف کشورمان بی تأثیر نبوده اند. علیرغم این حجم عظیم از مهاجرین و پیامدهایی که دنبال داشته اند، متأسفانه آن طور که شایسته است تحقیقات و بررسیهایی در جهت شناخت آنها از جانب دست اندرکاران و بویژه جمعیت شناسان صورت نگرفته است.

در این میان دست اندرکاران و مسئولان امر، به مسئله مهاجرت افغانیها به عنوان یک موضوع گذرا نگریسته اند، حال آنکه بایستی تحقیقات وسیعی برای روشن شدن سئوالات و ابهاماتی از قبیل چگونگی روابط اقتصادی، اجتماعی و حتی روابط فامیلی با جمعیت بومی صورت گیرد، زیرا به چند دلیل پدیده مهاجرت افغانیها موضوعی شایان بررسی و تحقیق است نه یک مسأله جنبی و گذرا:

اولاً: کشور ایران بر حسب وظیفه اسلامی نسبت به پذیرش مهاجرین با خوشروئی اقدام نموده و بنا به مقتضیات زمانی، این همکاری را ادامه خواهد داد. پس مقطع زمانی معین برای خاتمه موضوع مهاجرت قابل پیش بینی نیست.

ثانیا: دارا بودن بیش از 900 کیلومتر مرز مشترک با کشور افغانستان (علی آبادی، 1375 ص 3) ایجاب می کند نسبت به هر اتفاقی که در مرزهای مشترک دو کشور واقع می شود بی تفاوت نباشیم.

ثالثا: تنظیم روابط صحیح و منطقی و وجهه نظر واقع بینانه بین مهاجرین و بومیان اقتضا می کند با انجام تحقیق علمی، مرز واقعیات و تصورات روشن شود و قضاوتهای صحیح جایگزین پیشداوریها گردد.

بنابراین با بررسی این موضوع می توان نسبت به این جمعیت مهاجر شناخت پیدا کرد و برنامه ریزیهای دقیق و موشکافانه ای را تدوین و ارائه نمود.

هدف تحقیق

با توجه به ضرورتهایی که در قسمت قبل ذکر آن رفت، تحقیق حاضر بر آن است که به سهم خود و بسته به توان محقق و مقدمات علمی و اجرایی، به گوشه ای از مسائل و ابهامات موجود در زمینه ویژگیهای متفاوت جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی و چگونگی روابط اقتصادی، اجتماعی مهاجران خارجی با جمعیت بومی پاسخ مبتنی بر واقعیت بدهد و از این راه، زمینه مناسب تری را برای برنامه ریزی مناسب و کارشناسانه ایجاد نماید.

نگاهی گذرا به اوضاع جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی و تاریخی افغانستان

در این قسمت، ابتدا به بررسی اوضاع جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی افغانستان و سپس در قسمت دوم به بررسی روند تحولات تاریخی افغانستان پرداخته می شود.

الف (جغرافیای طبیعی، اجتماعی و اقتصادی کشور افغانستان:

1. جغرافیای طبیعی افغانستان

افغانستان سرزمین کوهستانی و محصور در خشکی است. این سرزمین در نیمکره شمالی و نیمکره شرقی در محدوده آسیای میانه واقع است. جمعیت آن در سال 1995 برابر با نوزده میلیون و ششصد و شصت و سه هزار نفر (ده میلیون و نود و یک هزار نفر مرد و نه میلیون و پانصد و هفتاد و دو هزار نفر زن) بوده است (U.N.; v. I; p. 72). مساحت آن 649/000 کیلومتر مربع و طول مرزهایش حدود 5800 کیلومتر مربع است. از سمت شمال با جمهوریهای تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان هم مرز است. طول مرز شمالی با این جمهوریها، حدود 2384 کیلومتر است. از سمت شرق و جنوب با پاکستان از سمت شمال شرقی از طریق تنگه واخان با چین (ایالت سین کیانگ) هم مرز است. مساحت این مرز در منابع، متفاوت ذکر شده است و آن را بین 73 تا 93 کیلومتر نقل کرده اند. از طرف مغرب با جمهوری اسلامی ایران مرتبط است. این مرز قریب به 900 کیلومتر است.

افغانستان با آبهای آزاد فاصله زیادی دارد. نزدیکترین نقطه آن با آبهای آزاد، از طریق پاکستان است که 500 کیلومتر فاصله دارد (علی آبادی، 1375، ص 4 و 3)

2. ساختار اجتماعی و قبیله ای افغانستان

گروهی از محققان، افغانستان را موزه ای از نژادها و ملل گوناگون می دانند. در این موزه بزرگ ساکنان اولیه در کنار تازه واردان سکونت دارند، سکنه فعلی در این کشور، بازماندگان دو نژاد عمده هستند که به قرار زیرند:

1- نژاد سفید شامل: پشتوها، تاجیکها، هزاره ها، نورستانیها و.....

2- نژاد زرد شامل: ازبکها، ترکمنها، قرقیزها، مغولها و.....

از جمله اقوام مهم افغانستان؛ پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک، ترکمن، بلوچ، قرقیز، قزلباش، فارس، هراتی، براهویی و قزاق هستند (همان، ص 13).

در جدول (1) اقوام مهم افغانستان، نوع زبان و مذهب آنها آمده است.

جدول 1- قومیت ها و نوع زبان و مذهب کشور افغانستان

قومیت	زبان	مذهب
تاجیک	فارسی دری	شیعه و سنی
پشتوها	پشتو	سنی

سنی	بلوچی	بلوچ
شیعه	فارسی	هزاره
سنی	فارسی و دری	ایماق
سنی	ترکی - فارسی	ازبک
سنی و شیعه	ترکی	ترکمن

منبع: ظریف فیروز عسگری، 1367، ص 625، 656

اوضاع اقتصادی افغانستان

افغانستان از جهت منابع غذایی کشوری خودکفاست. این کشور اگرچه فقیر است اما جزء کشورهای گرسنه جهان نیست. در این کشور، از هر ده نفر شاغل، هشت نفر به کشاورزی اشتغال دارند. بخش اعظم جمعیت این کشور در بخش کشاورزی و یا فعالیتهایی که با کشاورزی مربوط است به کار مشغول هستند.

گندم با تولید سالانه سه میلیون تن (در 26 درصد زمینهای قابل کشت) زراعت اصلی کشاورزان افغانی است. محصولاتی که در این کشور جنبه صادراتی دارند عبارتند از: انگور (کشمش) و پنبه. در افغانستان آنگونه که در اغلب کشورهای جهان سوم دیده می شود، سیستم تک محصولی که نوسان آن به جریانات بین المللی و سفارشات خارجی بستگی داشته باشد، وجود ندارد. بخش عظیمی از تولیدات کشاورزی در داخل کشور به مصرف می رسد (همان، ص 95).

علاوه بر آن اطراف منطقه جلال آباد به لحاظ کشت خشخاش، شناخته شده است. هیرمند که منطقه اصلی دیگر کشت خشخاش است، تامین کننده یک چهارم خشخاش جهان است (مارسدن، 1379، ص 10).

دامداری در زندگی ایلات و عشایر افغانی نقش مهمی ایفاء می کند. افغانستان از حیث دامپروری خاصه گوسفندداری در جهان مقام مهمی را داراست و به جهت داشتن گوسفند نژاد قره گل که از پوست آنها، پوست معروف به آسترخان بدست می آید شهرت دارد (علی آبادی، 1375، ص 96).

ب) تحولات تاریخی افغانستان

در باب چگونگی وحدت یا جدایی ایران از افغانستان در گذشته، همچنین به تاریخچه تشکیل دولتهای مستقل در افغانستان و تحولات صورت گرفته در این کشور احوال و نوشته های زیادی وجود دارد. ذیلاً بطور مختصر به ذکر تحولات صورت گرفته در تاریخ افغانستان پرداخته می شود.

تحولات افغانستان در قرن بیستم

تاریخ جدید افغانستان پس از فراز و نشیبهای فراوان در طول تاریخ در قرن بیستم با به قدرت رسیدن امیر حبیب الله در سال 1901 آغاز می شود. اولین انتخابات در سپتامبر سال 1962 برگزار شد و از این زمان تا ژانویه 1973 داوود خان قدرت را به دست گرفت و سرانجام با کودتای 28 آوریل 1978 توسط ارتش، داود به همراه تمام اعضای خانواده اش قتل عام

شد (همان. گزیده صفحات 168-123). در شب 27 دسامبر 1979 شوروی حمله گسترده خود را به افغانستان آغاز کرد (بریگو، روا، 1367). مشخصه اصلی افغانستان پس از حمله شوروی، وجود نابسامانی در کشور بود. از سال 1372 و بخصوص سال 1373 مواضع گروههای موجود تغییر یافت و دسته بندیهای جدیدی شکل گرفت و جنگ و درگیری در ابعاد وسیع تر ادامه یافت (علی آبادی، 1375، گزیده صفحات 189-168).

سرانجام در سال 1381 با روی کار آمدن دولت انتقالی حامد کرزای امنیت نسبی به این کشور باز گشته است.

علل گرایش مهاجرین افغانی به پاکستان و ایران

در خصوص اینکه چرا مهاجرین افغانی به ایران و نیز پاکستان مهاجرت کردند و به جاهای دیگر کمتر رفتند دلایل بسیاری را می توان برشمرد که مهمترین آنها عبارتند از:

1- مرزهای طولانی این دو کشور با افغانستان.

2- اشتراکات مذهبی و دینی بین مردم این دو کشور با مردم افغانستان.

3- مخالفت هر دوی این کشورها با استقرار نظام کمونیستی در افغانستان و پشتیبانی از مجاهدین افغانی و نهضت مقاومت.

4- نزدیکی فرهنگی و زبانی بین گروههای مهاجر با این دو کشور که روابط فرهنگی را تسهیل می نماید.

5- نزدیکی این کشورها به موطن مهاجرین و امکان بازگشت سریع به وطن در صورت مساعد شدن شرایط.

آن دسته از مهاجران که به ایران آمده اند غالباً یک مشخصه مهم دارند و آن، فارسی زبان بودن آنهاست. تقریباً اکثر کسانی که به ایران مهاجرت کرده اند از مناطق فارسی زبان هستند و بندرت از مناطق پشتون که زبان فارسی نمی دانند به ایران آمده اند. در بین مهاجرین افغانی که به ایران آمده اند، بیشتر آنها در نوار مرزی ایران با افغانستان و در استانهای خراسان و سیستان و بلوچستان ساکن گردیده اند.

گروه های مذهبی با گرایش تسنن در استان سیستان و بلوچستان و جنوب خراسان و استانهای جنوبی ایران مانند بوشهر و هرمزگان پراکنده شده اند و شیعیان در مناطق شمالی خراسان، تهران، قم و دیگر مناطق پراکنده اند.

در پایان این قسمت باید یاد آور شد آنچه در مورد مهاجرین افغانی قابل بیان است، این است که علت مهاجرت آنها به کشورهای دیگر نه جاذبه مقصد بلکه دافعه موطن بوده است، در مورد علل بازگشت آنها نیز شرایط موطن اصلی آنها بیشتر از هر عامل دیگر تأثیرگذار می باشد. همانطور که در طول سالهای 72-1370 با آرام شدن اوضاع، چندین میلیون نفر به کشور خود بازگشتند، اما با گسترش درگیریها و ناامنی دوباره در افغانستان سیر بازگشت مهاجرین متوقف شد (جمشیدیها، 1379، ص 64-65).

یافته های تحقیق

قبل از وارد شدن به این قسمت، لازم است به نکته مهمی اشاره شود. اداره کل اتباع و امور مهاجران خارجی، داده ها را بطور کلی برای مهاجران خارجی استخراج نموده و مهاجران افغانی و سایر مهاجران خارجی را تفکیک ننموده است. به ناچار شاخصهای پردازش شده، اشاره به مهاجران خارجی دارد و نه مهاجران افغانی، ولی به هر حال تأکید این مقاله بر «مهاجران افغانی» می باشد که بیشترین مهاجر خارجی را در ایران تشکیل می دهند. طبق اعلام اداره کل

اتباع و مهاجران خارجی حدود دو میلیون و سیصد هزار مهاجر پرسشگری شده افغانی (از دو میلیون و پانصد و شصت هزار نفر که کل مهاجران خارجی در ایران را تشکیل می دهند) یعنی بیش از 90 درصد از مهاجران خارجی را در ایران، مهاجران افغانی تشکیل می دهند. (روزنامه اطلاعات، 1381/3/29).

در این قسمت به توصیف جداول پردازش شده از مهاجران پرداخته می شود که شامل ویژگی های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی می باشد.

الف - ویژگیهای جمعیتی اقتصادی و اجتماعی مهاجران خارجی.

ویژگیهای جمعیتی

- توزیع جمعیت مهاجران خارجی

کشورهای ایران و پاکستان به دلیل پناه دادن به مهاجران افغانی از کشورهای عمده مهاجرپذیر محسوب می شوند. گر چه تعداد پناهندگان در این دو کشور دائما در نوسان بوده و شمار آنان بر حسب شرایط داخلی و درگیریهای نظامی در افغانستان همواره تغییر می کرده است، نمی توان آمار و اطلاعات دقیقی از آنان به دست داد. با این همه شمار آنان در اسناد بین المللی به شرح ذیل بوده است: (زنجانی، 1380، ص 48).

جدول 2- آمار مهاجرین افغانی در ایران و پاکستان طی سال های مختلف (ارقام به هزار نفر)

	<u>1980</u>	<u>1985</u>	<u>1990</u>	<u>1991</u>	<u>1993</u>
ایران	-	1800	2350	3000	2900/7
پاکستان	400	2500	3272	3185/3	1627

به رغم این آمار و ارقام، تعداد مهاجران خارجی در ایران تا سال 1355 اندک بود و در هیچیک از سرشماریهای 1335، 1345 و 1355 به بیش از 0/5 درصد جمعیت نرسید (همان، ص 5).

جدول 3- تعداد خارجیان در ایران از ورای داده های سرشماری

سال	متولدین خارج از کشور	نسبت به کل (جمعیت)
1335	44769	0/24
1345	57115	0/22
1355	178911	0/53

1365	852507	1/72
1370	906988	1/62
1375	*1004776	1/67

*خارجیانی که تابعیت آنها مشخص است

بر اساس جدول (4)، در سال 1380 از تعداد کل مهاجران خارجی در ایران 2567709 نفر شمارش شده است که حدود دو میلیون و سیصد هزار نفر (حدود 90 درصد) آن را مهاجران افغانی تشکیل می دهند، 1568570 نفر (61 درصد) از مهاجران خارجی را مردان و 996495 نفر (39 درصد) آنان را زنان تشکیل داده اند. بیشترین تعداد مهاجرین خارجی در استان تهران قرار داشته، که با 811695 نفر (31/61 درصد) حدود یک سوم مهاجرین خارجی را تشکیل می داده است، که پس از استان تهران، استانهای سیستان و بلوچستان، خراسان و اصفهان به ترتیب با 376652 (14/67 درصد)، 252704 (9/84 درصد) و 247040 نفر (9/62 درصد) در مراتب بعدی قرار داشته اند، در حالیکه استان اردبیل با 199 نفر (0/01 درصد) کمترین تعداد مهاجر خارجی را داشته است و پس از آن، استانهای زنجان و چهارمحال و بختیاری به ترتیب با 661 (0/03 درصد) و 978 نفر (0/04 درصد) در مراتب بعدی کمترینها قرار داشته اند، همانطوریکه قبلا گفته شد، اکثر این مهاجران را، مهاجران افغانی تشکیل می دهند.

جدول 4- توزیع جمعیت مهاجران خارجی به تفکیک جنس و استان (سال 1380)

جنس استان	زن	مرد	جمعیت
آذربایجان شرقی	673	1162	1835
آذربایجان غربی	6122	7603	13727
اردبیل	93	106	199
اصفهان	89173	157867	247040
ایلام	3790	4168	7958
بوشهر	4742	12407	17149
تهران	285895	525798	811695
چهارمحال و بختیاری	391	587	978

خراسان	117554	135150	252704
خوزستان	34927	47066	82796
زنجان	304	357	661
سمنان	13793	27963	41756
سیستان و بلوچستان	167696	208955	376652
فارس	52286	105659	157945
قزوین	12257	25806	38063
قم	56026	69435	125461
کردستان	3114	3172	6286
کرمان	53171	86888	140059
کرمانشاه	5202	7199	12401
کهگیلویه	893	1627	2520
گلستان	16327	18730	35057
گیلان	992	2599	3591
لرستان	1627	2081	3708
مازندران	4688	10794	15482
مرکزی	18753	29454	48207
هرمزگان	20380	35804	56184
همدان	1861	2297	4158
یزد	24438	38998	63437
کشور	99495	1568570	2567709

نسبت جمعیت مهاجران خارجی و بویژه مهاجران افغانی به جمعیت ایران در طول سالهای مختلف در نوسان بوده است، بطوریکه در سرشماریهای سالهای 1365 و 1375 این نسبت به ترتیب برابر 1/5 و 1/4 بوده است، در حالیکه این نسبت در سال 1380 افزایش چشمگیری داشته و به 3/5 درصد رسیده است.

توزیع نسبی مهاجران خارجی به تفکیک گروههای سنی

بر اساس آمارهای اخذ شده، بیشترین مهاجر خارجی در گروه سنی 4-0 ساله با 15 درصد و پس از آن گروه سنی 5-9 ساله با 14/70 درصد در مرتبه بعدی قرار داشته اند و کمترین مهاجر خارجی نیز در گروه سنی 59-55 با 1/5 درصد قرار گرفته بودند. اگر جمعیت مهاجران خارجی را بر حسب گروههای سنی سه گانه در نظر بگیریم، گروه سنی 0-14 ساله برابر 41/5، گروه سنی 15-59 ساله برابر 56/5 و گروه سنی بالای 60 سال حدود 2 درصد جمعیت را بخود اختصاص داده اند.

با توجه به اینکه 41/5 درصد از کل جمعیت مهاجران در گروه سنی 0-14 قرار داشته و نسبت جوانی آنها بیش از چهل درصد بوده است، بنابراین مهاجران خارجی دارای جمعیتی جوان بوده اند. بر این اساس بیش از نیمی از استانهای کشور (16 استان) جمعیت مهاجر جوان داشته اند که از میان آنها، استانهای سیستان و بلوچستان و گلستان به ترتیب با 52 و 50 درصد جمعیت زیر 15 ساله دارای جوانترین جمعیت مهاجر بوده اند. به جرأت می توان گفت که اکثر مهاجرانی که زیر 20 سال هستند در ایران متولد شده اند و شاید تعداد زیادی از آنها هرگز موطن پدری خویش را ندیده باشند و با فرهنگ و رسوم وطن اصلی خود آشنایی کامل را نداشته باشند که این مسئله ممکن است بازگشت آنان را به کشور خود به تأخیر اندازد و آنها را با تردید مواجه نماید.

سازمان ملل، جمعیت افغانستان را به تفکیک گروههای سنی پنج ساله برای سال 2000 پیش بینی کرده است که گروه سنی 4-0 ساله با حدود 19/2 درصد بیشترین و گروه سنی 59-55 با حدود 2/6 درصد کمترین جمعیت را به خود اختصاص داده اند. توزیع جمعیت کشور افغانستان بر حسب گروههای سنی بزرگ عبارتست از: 43/7 درصد در گروه سنی 0-14 ساله، 51/4 درصد در گروه سنی 15-59 ساله و 4/9 درصد در گروه سنی بالای 60 سال * (U.N, 1988 . V.2, p. 141).

اگر مهاجران خارجی را بدلیل اکثریت مطلق مهاجران افغانی، بعنوان مهاجران افغانی در نظر بگیریم، می توان بیان نمود که در سال 2000 جمعیت کشور افغانستان از جمعیت مهاجر خود در کشور ایران، کمی جوانتر بوده ولی بهر حال ترکیب سنی مهاجران افغانی از ترکیب سنی کشورشان تبعیت می نماید و نشان دهنده این است که کشور افغانستان جزء جوانترین کشورهای جهان می باشد.

بر اساس اطلاعات سازمان ملل، جمعیت واقع در گروههای سنی پنجساله کشورهای افغانستان (سال 2000) در جدول (5) آمده است.

جدول 5 - توزیع جمعیت افغانستان بر حسب گروههای سنی پنجساله به تفکیک جنس (سال 2000)

زن		مرد		کل		گروههای سنی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	

19/17	2121000	19/17	2235000	19/17	4356000	0-4
13/87	1534000	13/90	1621000	13/88	3154000	5-9
10/67	1180000	10/70	1247000	10/68	2427000	10-14
8/95	990000	9/06	1056000	9/01	2046000	15-19
8/11	897000	8/15	950000	8/13	1847000	20-24
8/30	918000	8/27	964000	8/28	1882000	25-29
7/12	788000	7/15	834000	7/14	1622000	30-34
5/45	603000	5/53	645000	5/50	1249000	35-39
4/17	461000	4/23	493000	4/20	954000	40-44
3/19	353000	3/21	374000	3/20	727000	45-49
3/29	364000	3/34	389000	3/31	753000	50-54
2/62	290000	2/62	305000	2/62	595000	55-59
2/02	223000	1/94	226000	1/98	449000	60-64
3/07	340000	2/74	319000	2/90	659000	+65
100	11062000	100	11658000	100	22720000	جمع

منبع: (U.N ,1998,v.2,P.141)

نسبت جنسی مهاجران خارجی

آمارهای اخذ شده نشان میدهد که نسبت جنسی مهاجران خارجی در ایران حدود 157 بوده است که با نسبتهای جنسی متعارف تفاوت دارد و علت آن هم، تفاوت در مهاجرت بین دو جنس می باشد، که مهاجرت مردان را بیشتر ممکن ساخته است یعنی مهاجرت خارجیان به ایران به نفع جنس مرد بوده است که این یکی از ویژگیهای مهاجرت می باشد.

نسبت جنسی مهاجران خارجی در استانهای گیلان (262) و بوشهر (261) بیشترین و استانهای کردستان (102) و اردبیل (114) کمترین مقدار را نشان می دهند. معمولاً نسبت جنسی در استانهایی که مهاجران خارجی بیشترین تعداد را داشته اند کمتر و منطقی تر بوده و نشان از آن دارد که مهاجران در آن استانها با خانواده های خود ساکن شده اند ولی استان هایی که مهاجران خارجی کمترین تعداد را داشته اند نسبت جنسی بیشترین مقدار را داشته است و گویای این مطلب است که در این استانها، مهاجران خارجی بیشتر مردان بوده اند و مهاجرت به نفع جنس مرد بوده است.

طبق گزارش سازمان ملل، نسبت جنسی کشور افغانستان در سال 2000، برابر 105 و کشور ایران برابر 103 پیش

بینی شده است (U.N,1988,p.73,232).

توزیع نسبی خانوارهای مهاجران خارجی بر حسب ابعاد آن

آمار نشان میدهد که، خانوارهای یک نفره با 54 درصد بیشترین درصد را بخود اختصاص داده اند که علت آن مهاجرت بیشتر مردان می باشد و پس از آن به ترتیب خانوارهای دو نفره با 7/95 و سه نفره با 7/52 و و سرانجام خانوارهای بیش از ده نفره با 0/49 درصد کمترین مقدار را نشان می دهد.

این روند در اکثر استانها نیز مشاهده می شود و خانوارهای یک نفره بیشترین درصد را بخود اختصاص داده اند. معمولاً در استانهایی که تعداد مهاجران خارجی کمترین باشد، بالعکس درصد مردان و نسبت جنسی بیشتر می باشد که این امر باعث می شود خانوارهای یکنفره سهم بیشتری را بخود اختصاص دهند، این مسئله بخوبی در استانهای گیلان و اردبیل مشاهده شده است.

در سال 1375 در ایران، خانوارهای سه و چهارنفره با 18/40 و 15/96 درصد بیشترین سهم را بخود اختصاص داده بودند.

بعد خانوار مهاجران خارجی

بر اساس آمار بدست آمده از طرح شناسایی سال 1380، بعد خانوار مهاجران خارجی در ایران برابر 2/8 نفر بوده است که رقم کمی را نشان می دهد و علت آن همانطور که در نسبت جنسی گفته شد، بخاطر تفاوت در ترکیب جنسی مهاجران می باشد که اکثراً مردان هستند و چون خانوارهای یک نفره درصد بیشتری را بخود اختصاص می دهند، این امر باعث کاهش بعد خانوار مهاجران خارجی می شود. با مقایسه بعد خانوار با نسبت جنسی و توزیع نسبی خانوارهای مهاجران خارجی، بخوبی می توان این مطلب را مشاهده نمود. یعنی استان هایی که بالاترین نسبت جنسی و بیشترین خانوارهای یک نفره را داشته اند همان استان هایی هستند که کمترین بعد خانوار (2-1 نفره) را دارا بوده اند.

در سال 1375، بعد خانوار در ایران برابر 4/8 نفر بوده است.

توزیع مهاجران خارجی بر حسب محل تولد

با توجه به اکثریت قریب به اتفاق مهاجران افغانی در ایران و بر اساس آمار بدست آمده، محل تولد اکثر مهاجران خارجی، کشور افغانستان می باشد که حدود 71 درصد را بخود اختصاص داده است و اگر در نظر بگیریم که اکثریت مهاجرانی که در ایران متولد شده (حدود 24 درصد) مهاجر افغانی باشند، بیش از 90 درصد مهاجران خارجی، افغانی می باشند. همچنین کشور عراق، بعنوان محل تولد مهاجران خارجی فقط 4 درصد را بخود اختصاص داده است و یک درصد مهاجران خارجی نیز محل تولدشان غیر از افغانستان و عراق می باشند.

منشا جغرافیایی مهاجران خارجی استانهای کشور مشابه و یکسان نیست، به عبارت دیگر در استانهای غربی کشور، یعنی استانهای کردستان با 66/74، کرمانشاه با 58/04، ایلام با 46/98، خوزستان با 45/29 و لرستان با 41/13 درصد، بیشترین مهاجر خارجی را عراقی ها تشکیل می دهند و در استان های شرقی و مرکزی کشور نیز بالطبع بیشترین مهاجران خارجی را مهاجران افغانی تشکیل داده اند، مانند استانهای کرمان، سمنان، سیستان و بلوچستان، خراسان، تهران، هرمزگان و یزد با بیش از 95 درصد، بیشترین مهاجر افغانی را از مجموع مهاجران خارجی داشته اند.

مطلب دیگری که در این نقشه می توان مشاهده نمود، اینستکه اکثر مهاجرینی که محل تولد آنها ایران بوده است در استانهایی واقع شده اند که این مهاجران قدمت بیشتری را در آنجا داشته اند به عبارت دیگر اولین استانهایی هستند که مهاجران خارجی به آنجا مهاجرت نموده اند به عنوان مثال در استان خراسان سابقه مهاجرت مهاجران افغانی به قبل از تجاوز شوروی به خاک افغانستان (سال 1979) میرسد.

توزیع نسبی مهاجران خارجی در بخشهای مختلف اقتصادی

در کشور افغانستان، قسمت اعظم نیروی کار، مشغول کشاورزی است. پس از کشاورزی، صنعت و معدن و سپس مشاغل خدماتی و غیرتولیدی بیشترین نیروی کار را به خود اختصاص داده است.

وضعیت اشتغال در مهاجرین، همواره از مسائل مهم و جنجال برانگیز برای جامعه میزبان بوده است. اثرات میزان اشتغال و بیکاری بر انحرافات اجتماعی و مسائل اقتصادی همواره مشاهده شده است. دلیل مهاجرت بسیاری از مهاجرین نه نابسامانیهای سیاسی-اجتماعی در افغانستان، بلکه انگیزه اقتصادی بوده است.

شرایط دشوار زندگی در کشوری بیگانه فرد را مجبور می کند که برای تامین معاش خانواده به هر کار سختی تن در دهد. مهاجران افغانی رانده شده از وطن، که به ایران پناه آورده اند، برای گذران زندگی به مشاغل و حرفه گوناگون روی آورده اند. اغلب این مشاغل غیر تخصصی اند و نیاز چندانی به دانش و تخصص بالا ندارند. اکثر مهاجرین از تخصص و سواد کافی برخوردار نبوده اند، لذا به مشاغلی پرداخته اند که دارای مزد کم و زحمت فراوان هستند و انجام آن برای هر فردی دشوار است.

بر اساس آمار بدست آمده، بیشترین مهاجران با حدود 77 درصد در بخش خدمات مشغول به کار می باشند، بطوریکه مهاجران استانهای گیلان با 96/49، کرمانشاه با 96/35 و آذربایجان شرقی با 96/15 درصد، بیشترین و استان سیستان و بلوچستان با 17/37 درصد کمترین سهم را در این بخش داشته اند. این بخش مجموعه ای از مشاغل مانند: کارگران ساختمانی، کار در کوره های آجرپزی، کار در چاپخانه های قدیمی که با سرب زیاد سروکار دارند، چاه کنی و غیره را در بر می گیرد، که انجام کلیه این مشاغل با دشواری خاصی مواجه است. بخش کشاورزی با 11/60 درصد، در مرتبه دوم قرار دارد که استانهای سیستان و بلوچستان با 76/59، کردستان با 46/95 و گلستان با 20/54 درصد بیشترین و استان های کرمان، ایلام، خوزستان، هرمزگان، قزوین، کهگیلویه و بویراحمد، کرمانشاه، آذربایجان شرقی و بوشهر با کمتر از یک درصد کمترین سهم را در این بخش مشغول داشته اند. این افراد غالباً کسانی بوده اند که قبل از مهاجرت، کشاورزی می کرده اند و بعد از مهاجرت چون قادر به کار دیگری نبوده اند به کشاورزی پرداخته اند. رشد و رونق ساختمان سازی در ایران موجب جذب تعداد کثیری از افراد بدون مهارت و تخصص شده است که 11/56 درصد از مهاجران شاغل، در بخش صنعت و ساختمان مشغول بکار بوده اند. در این بخش، استانهای هرمزگان، قزوین و همدان به ترتیب با 37/43 و 54/28، 77/02 درصد بیشترین و استان های گیلان، زنجان و آذربایجان شرقی به ترتیب با 3/80، 0/75 و 3/15 درصد شاغلین در بخش صنعت را داشته اند.

در سرشماری سال 1375، توزیع جمعیت شاغل ایران در بخشهای فوق عبارت بودند از: کشاورزی 23/40 درصد، صنعت 30/70 درصد و خدمات 44/50 درصد.

مقایسه جمعیت شاغل ایرانیان با جمعیت مهاجر، در بخشهای سه گانه بخوبی نشان می دهد که به دلیل کمبود بیش از حد نیروی ماهر و متخصص نزد مهاجران، که اکثراً مهاجران افغانی میباشند تفاوتهای عمده ای بین آنها در این سه بخش مشاهده می شود.

وضعیت مسکن مهاجران خارجی

مهاجران خارجی طبق قانون نمی توانند ملکی را رسماً به تملک خویش درآورند، به همین خاطر آنها به اشکال دیگر از املاک و مستغلات استفاده می نمایند.

طبق آمار اخذ شده، اکثر قریب به اتفاق مهاجران خارجی، از ساختمان و املاک مسکونی بصورت اجاره ای استفاده می نمایند، یعنی 93 درصد مهاجران خارجی مسکن اجاره ای دارند. شکلهای دیگر در اختیار گرفتن مسکن، عبارتست از: شخصی در مالکیت غیر* 2/57 درصد و شخصی قولنامه ای 2/62 درصد، که 1/71 درصد نیز به اشکال دیگر از مسکن استفاده می نمایند.

مهاجران خارجی در استانهای کهگیلویه و بویراحمد با 99/14، قزوین با 98/70 و یزد با 98/37 درصد بیشترین مسکن اجاره ای را در اختیار داشته اند، در حالیکه مهاجران خارجی استانهای لرستان با 58/77، اردبیل با 63/16 و کردستان با 65/82 درصد کمترین مسکن اجاره ای را در اختیار داشته اند.

معمولاً نوع مسکنی که مهاجران خارجی در اختیار دارند به نوعی با نحوه سکونت ایرانیان و تراکم آن منطقه نیز مرتبط است. به عبارت دیگر استانهایی که تراکم جمعیت در آنجا بیشتر است و خود ایرانیان مسکن اجاره ای بیشتری نیز در اختیار دارند، بالطبع اکثر مهاجران نیز مسکن اجاره ای بیشتری در اختیار دارند مانند استان های تهران و گیلان.

مهاجران سه استان اردبیل، کردستان و زنجان به ترتیب با 1931، 26/5 و 1931 درصد، بیشترین درصد «مسکن شخصی در مالکیت غیر» را نسبت به سایر استانها دارا بوده اند که شاید علت آن وجود مهاجران عراقی بیشتر نسبت به سایر استانهاست که اعتماد بیشتر مهاجران عراقی را نسبت به ایرانیان نشان میدهد و این اعتماد دلایل متعددی می تواند داشته باشد از جمله سابقه سکونت طولانی تر عراقیها نسبت به افغانیها و همچنین پذیرش بیشتر مهاجران عراقی از سوی ساکنان بومی این استانها.

– ویژگیهای اجتماعی

میزان تحصیلات مهاجران خارجی

یکی از نتایج بسیار ارزشمندی که اقامت در ایران برای مهاجران خارجی بویژه مهاجران افغانی داشته است، استفاده از امکانات تحصیلی ایران می باشد که باعث ارتقاء سطح تحصیلات فرزندان آنها شده است و به گفته خود مهاجران افغانی حضور در ایران تأثیر بسزایی را در ارتقاء سطح تحصیلی فرزندان آنها داشته است.* اگر چه سطح آموزشها و تعالیم مذهبی در کشور افغانستان نسبتاً بالاست ولیکن آموزشهای کلاسیک و فنی پایین و توانایی خواندن و نوشتن محدود است. یکی از ریشه های اصلی بحرانهای جاری افغانستان نیز به دلیل پایین بودن سطح آموزشهاست.

با توجه به اقامت نسبتاً طولانی مهاجرین افغانی در ایران می توان اذعان داشت که اکثر آنهايي که دارای سواد و آموزش رسمی بوده اند، بعد از مهاجرت به ایران، به کسب تحصیل و سواد گرایش پیدا کرده اند.

اطلاعات جمع آوری شده در مورد سطح سواد مهاجران خارجی، نشان می دهد که 51/33 درصد بیسواد و 18/68 درصد نیز فقط خواندن و نوشتن می دانسته اند. یعنی 70 درصد از مهاجران تحصیلات رسمی نداشته اند که اکثر این افراد را والدین مهاجران تشکیل می داده اند و سطح تحصیلات 30 درصد بقیه به ترتیب پایان ابتدایی 16/38، سیکل 7/53، دیپلم 4/40، تحصیلات عالی 1/25 و حوزوی و سایر تحصیلات 0/43 درصد بوده است. هر چه از سطح پایین تحصیلات به سطوح بالاتر می رویم از حجم جمعیت نیز کاسته می شود.

میزان تحصیلات فوق الذکر، از کل جمعیت بی سواد و باسواد محاسبه شده که اگر این میزانه‌ها از جمعیت باسواد گرفته می‌شد، درصدهای بیشتری را نشان می‌دادند که این امر، نشان دهنده تأثیر مثبت آموزش و تحصیل مدارس ایران بر سطح سواد و تحصیلات مهاجران خارجی و بویژه مهاجران افغانی می‌باشد.

میزان تحصیلات جمعیت باسواد کشور ایران در سطوح مختلف در سال 1375 عبارتست از: ابتدایی 46/68 درصد، راهنمایی 26/67 درصد، متوسطه و پیش دانشگاهی 19/59 درصد، دوره عالی 5 درصد و حوزوی و سایر 2/06 درصد.

اگر میزان تحصیلات مهاجران خارجی را از جمعیت باسواد و تحصیل کرده در نظر بگیریم می‌توان با میزان تحصیلات ایرانیان مقایسه کرد، یعنی تحصیلات مهاجران خارجی در سطوح ابتدایی 54/6 درصد، سیکل 25/1 درصد، دیپلم 14/66، تحصیلات عالی 4/16 و حوزوی و سایر 1/43 درصد بوده است.^{۲۰}

درصد مهاجران خارجی با تحصیلات ابتدایی از ایرانیان بیشتر است ولی هر چه به سطوح بالاتر تحصیلی می‌رویم حجم تحصیلات مهاجران خارجی از ایرانیان کمتر می‌شود.

بیشترین درصد مهاجران بی سواد در استانهای سیستان و بلوچستان با 87/17، هرمزگان با 74/47 و کرمان با 74/20 درصد و کمترین درصد بی سوادها در استانهای قم با 3/66 و اصفهان با 4/14 درصد بوده اند.

نوع مذهب مهاجران خارجی

دین 98 درصد مردم افغانستان اسلام است. از این میان قریب به 70 درصد اهل تسنن هستند که اکثراً بر مذهب حنفی می‌باشند و بیش از 25 درصد نیز شیعه اثنی عشری می‌باشند. اکثریت شیعه‌ها را قوم هزاره تشکیل می‌دهند که در مناطق مرکزی افغانستان سکونت دارند و مرکز آنان شهر تاریخی «بامیان» است. تشیع همچنین در بین قزلباشها، ترکمنها، تاجیکها و حتی پشتونها پیروانی دارد (علی آبادی، 1375 ص 29).

ترکیب مذهبی مهاجران خارجی که اکثر آنان مهاجران افغانی می‌باشند نیز ناشی از ترکیب مذهبی در کشور افغانستان می‌باشد. طبق آمار موجود، در سال 1380 بیشترین مهاجر خارجی، پیرو دین اسلام و اهل تسنن بوده اند که 52/49 درصد را تشکیل می‌داده اند، که استانهای مرزی کشور یعنی آذربایجان غربی با 99/15، کردستان با 91/68 و سیستان و بلوچستان با 90/69 درصد بیشترین مهاجر خارجی سنی را داشته اند.

مهاجران شیعه نیز 47/38 درصد را بخود اختصاص داده اند که استانهای ایلام با 99/9، قم با 97/42 و لرستان با 91/29 درصد بیشترین مهاجر شیعه را بخود اختصاص داده اند.

با توجه به سهم مهاجران شیعه و سنی در استانها، مشاهده می‌شود که مهاجران سنی مذهب بیشتر در استانهای اقامت دارند که اهل تسنن درصد بیشتری را نسبت به سایر استانها دارا می‌باشند، مانند استانهای کردستان و سیستان و بلوچستان که به ترتیب حدود 92 و 91 درصد از کل مهاجران این دو استان اهل تسنن هستند و مهاجران شیعه مذهب بیشتر در استانهای اقامت دارند که اکثریت جمعیت آنجا شیعه می‌باشند. در حقیقت مهاجران با توجه به نوع مذهب خود، استان محل اقامت خود را انتخاب نموده اند و جامعه میزبان را به لحاظ مذهبی، متناسب و همسوی با اعتقادات خود می‌پندارند.

درصد بسیار کمی از مهاجرین نیز دارای مذهب مسیحی می‌باشند که اکثراً از کشورهای غیر از افغانستان و عراق می‌باشند.

مهاجران افغانی بر حسب قومیت

گروهی از محققان، افغانستان را موزه ای از نژادها و ملل گوناگون می دانند. در این کشور، مردمانی از نژادهای پشتون، هزاره، تاجیک، ازبک، ترکمن، بلوچ، قرقیز، قزلباش، ایماق، نورستانی، کشمیری، هندو، سیک و..... سکونت دارند. مردم شناسان و آمارگیران بسیار کوشیده اند که گروههای قومی افغانستان را شمارش کنند، اما نتایج بسیار متفاوتی به دست آورده اند. بیشترین تلاش برای شناسایی گروههای قومی در افغانستان، توسط «اروین اریوال و همکارانش» به عمل آمده است. آنان نام 55 قوم را در افغانستان فهرست کرده اند (سجادی، 1380، ص 52).

مهاجران افغانی نیز همانند کشور خود از نظر قومی و نژادی متنوع می باشند. طبق آمار موجود، تاجیکها با 20/22 درصد بیشترین سهم را بخود اختصاص داده اند که استانهای گیلان با 52/74، فارس با 45/04 و بوشهر با 41/35 درصد بیشترین و استانهای آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، ایلام، سمنان، قم، کردستان، کرمان، گلستان، لرستان، مازندران، هرمزگان و قزوین با کمتر از یک درصد کمترین قوم تاجیک را داشته اند.

پس از آن هزاره ها با 18/66 درصد در مرتبه دوم قرار دارند که استانهای همدان با 69/70، کردستان با 66/51 و چهارمحال و بختیاری با 62/99 درصد بیشترین و استانهای آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، ایلام، خوزستان، سمنان، قم، کرمان، کرمانشاه، لرستان، مازندران، هرمزگان، یزد و قزوین با کمتر از یک درصد، کمترین قوم هزاره را بخود اختصاص داده بودند.

پس از این دو قوم، پشتوها با 6/63 درصد در مراتب بعدی قرار می گیرند و سایر اقوام نیز با 50/45 درصد، حدود نیمی از مهاجران را بخود اختصاص داده اند.

– اطلاعات تکمیلی

نحوه ورود مهاجران خارجی

مهاجران خارجی به انحاء مختلف وارد ایران شده اند. آمار اخذ شده، نشان می دهد که اکثر مهاجران، یعنی 93.12 درصد آنان بطور غیر قانونی از مرزهای کشور خودشان وارد ایران شده اند که استانهای مازندران با 99/19، گلستان با 99/07 و بوشهر با 98/82 درصد بیشترین مهاجر خارجی غیر قانونی را داشته اند، پس از آن مهاجرینی که از کشور خود رانده شده اند با 3/70 درصد در مرتبه بعدی قرار می گیرند که استانهای سمنان با 30/95 و کرمانشاه با 30/50 درصد بیشترین مهاجر رانده شده را پذیرا بوده اند. مهاجرینی که دارای مجوز رسمی بوده و وارد ایران شده اند با 0/74 درصد کمترین درصد را بخود اختصاص داده اند که در جای خود قابل توجه است، زیرا ایران میزبان مهاجرینی است که اکثریت قابل توجه آنها بطور غیر قانونی و بدون مجوز رسمی وارد ایران شده اند که این مسئله مشکلات عدیده ای را برای ایران به وجود آورده است.

روند ماندگاری یا بازگشت مهاجران خارجی

سالهاست طرح بازگشت داوطلبانه و یا اجباری مهاجرین افغانی از طرف اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور مطرح می شود. ولی درصدد نظر خواهی از خود مهاجرین برنیامده بوده اند که آیا داوطلب بازگشت به کشور خود هستند یا خیر، و تحت چه شرایطی حاضر به بازگشت یا اقامت خود هستند.

مهاجران خارجی در ایران نظرات مختلفی را درباره ماندگاری و یا بازگشت خود داده اند. بر اساس آمار اخذ شده و با توجه به استانهایی که اطلاعات آنها در دست است، 47/8 درصد از مهاجران کل کشور، تمایلی به بازگشت به کشورشان را نداشته اند که دلایل متعددی را می توان برای آن برشمرد، از جمله: خو گرفتن با محیط ایران، ادامه تحصیل در ایران، داشتن همسر ایرانی، عدم امکانات و موقعیت زندگی در آنجا و غیره، که مهاجران استانهای گلستان با 86/49، خوزستان با 83/54 و کرمان با 82/27 درصد بیشترین عدم تمایل را برای بازگشت به کشورشان داشته اند. در مرتبه دوم، 29/36 درصد از مهاجران کل کشور برای بازگشت به کشورشان اظهار تمایل نموده اند، گروهی از انسانها پس از ترک وطن و اقامت در جای دیگر، با گذشت ایام تمایل پیدا می کنند به زادگاه و وطن خویش بازگردند، زیرا به آن احساس تعلق بیشتری می کنند، که این تمایل توسط مهاجران استانهای مازندران با 52/36 و سمنان با 37/37 درصد بیشتر از سایر استانهاست. در مرتبه سوم، 13/48 درصد از مهاجران کل کشور تمایل خود را به بازگشت به کشورشان و یا کشوری ثالث اظهار داشته اند که این اظهار تمایل در استان کهگیلویه و بویراحمد با 51/14 درصد بیشتر از سایر استانها بوده است و سرانجام 9/37 درصد از مهاجران کل کشور تمایل خود را به رفتن به کشوری ثالث اظهار داشته اند که مهاجران استان آذربایجان غربی با 45/45 درصد بیش از سایر استانها این تمایل را از خود نشان داده اند.

به نظر می رسد استان هایی که سابقه مهاجرت خارجیان به آنجا بیشتر است بعلت عجین شدن با بافت فرهنگی و اجتماعی مردم آن استانها و همچنین ایجاد پیوندهای خونی با آنها کمترین تمایل را به بازگشت از خود نشان داده اند و خود را جزئی از جمعیت آن منطقه می دانند که این مسئله بازگشت آنها را به کشورشان بسیار دشوار نموده و باعث ماندگاری تعداد دیگری از بستگان آنها نیز خواهد شد.

آخرین اطلاع از وضعیت مهاجران افغانی در ایران

به گفته مدیر کل امور اتباع بیگانه و مهاجرین خارجی

«بازگشت مهاجران افغانی طی سالهای گذشته قطع نشده و تا امروز ادامه دارد، اما بعد از استقرار نظام فعلی و ایجاد ثبات و نظم، در فروردین ماه سال جاری (1381)، بازگشت شروع شده که از ثبات برخوردار است. بر اساس آخرین آمار، 340 هزار مهاجر افغانی به کشورشان باز گشته اند و پیش بینی شده است که رقم بازگشتی ها تا پایان سال 1382 به حدود 400 هزار نفر خواهد رسید. در حال حاضر حدود دو میلیون مهاجر افغانی وجود دارند (کل مهاجران افغانی دو میلیون و سیصد و سی هزار نفر بوده است)، که دارای کارت بوده و قانونی هستند. البته تعدادی مهاجر غیر قانونی نیز در ایران وجود دارند که در طرح شناسایی شرکت نکرده اند که حدود 10 درصد مهاجران افغانی را تشکیل می دهند. ممکن است افرادی که به کشورشان باز گشته اند دوباره به ایران برگردند ولی بایستی ویزا و پاسپورت بگیرند، در غیر اینصورت باز گردانده خواهند شد.

طبق تعریف کنوانسیون ژنو: پناهنده کسی است که از ترس آزار یا شکنجه و مسائل سیاسی، کشور خود را ترک می کند، بنابراین مهاجران افغانی دیگر شرایط کنوانسیون ژنو را ندارند و بایستی هر چه سریعتر به کشور خود باز گردند.

از سال آینده، هر سال حدود 500 هزار نفر بازگشت خواهند شد، حدود 700 هزار افغانی در ایران متولد شده اند، حدود 700 هزار نیروی کار افغانی در کشور وجود دارد، حدود 2000 مهاجر افغانی با تحصیلات لیسانس و بالاتر وجود دارد. از 20 فروردین 1381 با شروع طرح بازگشت، روزانه 2-2/5 هزار نفر داوطلب بازگشت بوده و حتی به روزی 7 هزار نفر نیز می رسیده است و تا آخر سال آینده (سال 1382)، حداقل یک میلیون نفر به کشورشان باز خواهند گشت (مصاحبه با احمد حسینی مدیر کل امور اتباع و مهاجران خارجی وزارت کشور، برنامه گفتگوی خبر شبکه 17، 1381/8/2).

وی همچنین عنوان کرد که تا پایان سال 1383 پرونده مهاجران افغانی در ایران بسته خواهد شد. وی اضافه کرد: از ابتداء سال آتی به افغانیهای ساکن ایران اجازه کار داده نمی شود و اگر هر افغانی را گشت ویژه نیروی انتظامی که به این منظور تشکیل می شود، دستگیر کند از ایران اخراج خواهد شد. در صورتیکه هر افغانی بتواند مجوز کار کسب کند، باید به

اداره کار و امور اجتماعی مالیات پردازد، همانگونه که در تمامی کشورهای جهان در ارتباط با نیروی کار خارجی مرسوم است (مصاحبه با احمد حسینی مدیر کل امور اتباع و مهاجران خارجی وزارت کشور، روزنامه خراسان، 1381/11/7، ص 4).

نتیجه گیری

هدف اصلی این مقاله « بررسی ویژگیهای جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی مهاجران افغانی در ایران » بوده است، تا بدین وسیله زمینه مناسب تری را برای برنامه ریزی مناسب و کارشناسانه ایجاد نماید. بر این اساس و برای دستیابی به این هدف، شاخص های مورد نظر ایجاد و به بررسی هر یک از آنها پرداخته شد.

بر اساس یافته های بدست آمده، مهاجران خارجی و بویژه مهاجران افغانی با ویژگیهای جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی متفاوت در ایران اقامت دارند، این مهاجران که بیش از 90 درصد آنها را مهاجران افغانی تشکیل میدهند، در تمامی استانهای کشور پراکنده اند. بدلیل نبود قانونی مشخص و عدم کنترل مبادی ورودی، تعداد مهاجران افغانی در طول سالیان مختلف، متغیر بوده است.

اکثر مهاجران ساکن در ایران را مردان تشکیل می دهند و این مسئله باعث شده که نسبت جنسی بالا و بر عکس بعد خانوار پایین باشد. استان تهران به تنهایی حدود یک سوم از مهاجران خارجی را در خود جای داده است.

وضعیت اقتصادی مهاجران افغانی نسبت به مهاجران عراقی ضعیف تر بوده است که این مسئله با مشاهده در آمد و دارایی مهاجران ساکن در استانهای غربی که اکثر عراقی هستند و مهاجران ساکن در استانهای شرقی که اکثر افغانی هستند دیده می شود.

بدلیل پایین بودن سطح سواد و مهارت تحصیلی و تخصص پایین مهاجران خارجی، شغل اکثر آنها کارگری و مشاغل ساده می باشد و بدلیل دستمزد پایین، سخت کوشی و حضور منظم تر این کارگران نسبت به کارگران ایرانی، تعداد بسیار زیادی از فرصتهای شغلی در اختیار مهاجران خارجی می باشد، که با خروج و بازگشت این مهاجران به کشورشان خلاء قابل توجهی در این نوع مشاغل ایجاد خواهد شد.

مهاجران افغانی ساکن در ایران و پاکستان بر اساس نوع مذهبی که داشته اند، این دو کشور را انتخاب نموده اند. به عبارت دیگر اکثر مهاجران افغانی که مذهب سنی داشته اند کشور پاکستان و اکثر مهاجران افغانی که شیعه مذهب بوده اند، ایران را به عنوان محل اقامت خود انتخاب نموده اند که این مسئله در میان استانهای کشور نیز مشاهده می شود. یعنی استان هایی که اکثریت ساکنان آن ها سنی می باشند، مهاجران افغانی سنی نیز ترجیح داده اند که در آن استان ها اقامت نمایند و همچنین مهاجرانی که شیعه مذهب بوده اند ترجیح داده اند در استان هایی اقامت نمایند که ساکنان آن شیعه مذهب هستند.

اکثریت قریب به اتفاق مهاجران خارجی بطور غیر قانونی وارد ایران شده اند و تقریباً فقط حدود یک درصد از آنها دارای مجوز رسمی بوده اند، که این مسئله در جای خود قابل توجه بوده و لازم است که دست اندرکاران و مسئولان امر توجه بیشتری به این مسئله نمایند.

حدود نیمی از مهاجران خارجی تمایلی به بازگشت به کشورشان را نداشته اند که این مسئله می تواند در روند طرح بازگشت بویژه مهاجران افغانی خلل وارد نماید.

بطور خلاصه می توان بیان نمود که مهاجران خارجی بدلیل پایین بودن سطح سواد و نداشتن تخصص مناسب و همچنین ورود غیر قانونی و بدون قاعده آنها و اشغال بسیاری از فرصتهای شغلی، نمی توانند برای کشور مقصد یعنی ایران مفید باشند و ایران بدلیل مسائل بشردوستانه و مسلمان بودن، این مهمانان را پذیرفته و امید است که با ادامه طرح بازگشت، این مهمانان نیز به کشورشان بازگشته و زمینه ساز آبادانی کشورشان شوند.

با توجه به یافته‌های موجود و نتیجه‌گیری حاصله از آن، امید می‌رود که شناختی هر چند مختصر از «ویژگی‌های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی مهاجران افغانی در ایران» در اختیار مسئولان امر قرار گرفته باشد تا بدین وسیله برنامه ریزی مناسب و کارشناسانه انجام شده و برخورد معقولانه‌تری با این مهمانان شود.

توصیه‌ها و پیشنهادات

1- به دلیل حضور چندین ساله مهاجران افغانی، خو گرفتن با محیط ایران، ازدواجهای آنان با زنان ایرانی، داشتن مشاغل و سرمایه در ایران و ادامه تحصیل، مطمئناً با پایان یافتن درگیری‌ها و جنگ‌های داخلی و استقرار صلح و ثبات در افغانستان، تعداد زیادی از این مهاجران به کشور خود باز نخواهند گشت. در نتیجه آنها اقلیتی را در ایران تشکیل خواهند داد. لذا لازم است جهت مقابله با این وضعیت، سیاستها و تدابیر لازم توسط دولت اتخاذ گردد.

2- با توجه به آمار بالای مهاجران خارجی در ایران، موضوعات مهمی پیرامون مهاجران وجود دارد که نیاز به تحقیقات و بررسی‌های همه‌جانبه علمی دارد، زیرا تشخیص مسائل و مشکلات مهاجرین، کاری بسیار پیچیده و دقیق است. مهمترین این موضوعات عبارتند از: تاثیر حضور مهاجرین در ابعاد مختلف فرهنگها، ازدواج، اشتغال، آموزش، بهداشت، روابط متقابل، ناهنجاریها، جرائم، مسکن، علائق و سلیقه‌ها و غیره. لذا پیشنهاد می‌شود تحقیقات متفاوت در ابعاد مختلف انجام و نتایج آن با یکدیگر مقایسه شود.

3- تردهای غیر قانونی، اشتغال غیر قانونی، اقامتهای غیر قانونی، ازدواجهای غیر قانونی رو به افزایش است. همچنین با توجه به اجرای طرحهای متعدد جهت اخراج مهاجران غیر قانونی و صرف هزینه‌های زیاد، نه تنها از حجم آنها کاسته نشده، بلکه جمعیت بعضی از شهرها، شهرکها، روستاها و غیره افزایش می‌یابد.

بطور کلی در نظام جمهوری اسلامی ایران در خصوص مسائل مختلف اتباع خارجی، قوانین لازم وجود دارد، ولی مشکل عمده در نحوه اجرای قوانین توسط مسئولان، اجراکنندگان، متعدد بودن مراکز تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در این زمینه است. لذا پیشنهاد می‌شود گروهی کارشناس مجرب تحت نظر مستقیم فقط یک مسئول تام‌الاختیار در وزارت کشور تشکیل و پس از کارشناسی دقیق علمی، سیاستهای لازم در خصوص اتباع خارجی اتخاذ و با قاطعیت اجراء گردد.

4- با توجه به اینکه اکثر مهاجران شاغل در مشاغل طاقت‌فرسا و سخت مشغول بکار هستند و در این مشاغل کارگران ایرانی تمایل چندانی از خود نشان نمی‌دهند، اگر این مهاجران به کشور خود بازگردند، خلا بسیار زیادی در این بخش از اشتغال پیش خواهد آمد که می‌تواند باعث ایجاد مشکلاتی در زمینه تامین نیروی انسانی لازم شود. لذا توصیه می‌شود که مسئولان و مجریان امر، به این نکته توجه داشته باشند و در جهت پر کردن این خلا از همین حالا تدابیر لازم را بیندیشند. به امید آنکه همه آوارگان و بی‌خانمانها در سراسر کره خاکی از سرگردانی نجات یافته و به سرزمین آباء و اجدادی خود به سلامت بازگردند.

فهرست منابع

1. اداره کل امور اتباع و مهاجران خارجی وزارت کشور، اطلاعات مربوط به مهاجران خارجی در طرح شناسایی 1380.
2. بریگو، آندره و روا، الیور، جنگ افغانستان، ترجمه ابوالحسن سرو مقدم، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، انتشارات آستان قدس رضوی، 1367.
3. جمشیدیها، غلامرضا، بررسی عوامل موثر بر بازگشت مهاجران افغانی، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، طرح پژوهشی، 1377.

4. روزنامه اطلاعات، 1381/3/29.
5. روزنامه خراسان، مصاحبه با مدیر کل امور اتباع بیگانه و مهاجران خارجی وزارت کشور، شماره 15481، 1381/11/7.
6. زنجانی، حبیب اله، مهاجرت، تهران، انتشارات سمت، 1380.
7. سجادی، سید عبدالقیوم، جامعه شناسی سیاسی افغانستان، انتشارات بوستان قم، 1380.
8. ظریف فیروز عسگری، منوچهر، بررسی سیاسی بحران افغانستان و مسئله مهاجرین افغانی در ایران، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره 83، 1367.
9. علی آبادی، علیرضا، افغانستان، وزارت امور خارجه، تهران، موسسه چاپ و انتشارات، 1375.
10. گفتگوی خبر شبکه 2 سیما، مصاحبه با مدیر کل امور اتباع و مهاجران خارجی وزارت کشور، 1381/8/17.
11. مارسدن، پیتر، طالبان(جنگ، مذهب و نظم نوین در افغانستان)، ترجمه نجله خندق، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، 1379.
12. نشریه سرشماری نفوس و مسکن سالهای 1365 و 1375.
13. نظری تاج آبادی، حمید، بررسی جنبه های مختلف حقوقی مسئله پناهندگی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، 1369.

منابع انگلیسی

14. World Population Prospects, the 1988 Revision, vol.1&2.

^[1] - کارشناس ارشد جمعیت شناسی و کارشناس اداره کل امور اجتماعی وزارت کشور

*در نشریه سازمان ملل ترکیب جمعیتی در گروههای سنی کشور افغانستان بصورت خام می باشد که آنها را به توزیع نسبی تبدیل نموده و از آن استفاده شده است ، همچنین چون آخرین گروه سنی جمعیت مهاجران خارجی طبق اطلاعات بدست آمده گروه سنی بالای 60 سال است، آخرین گروه سنی جمعیت کشور افغانستان نیز بر همین مبنا در نظر گرفته شده است.

املاکی که مهاجران افغانی شخصا خریده اند، ولی چون طبق قانون نمی توانند به تملک خویش در آورند، لذا بناچار، سند ملک را به نام یک ایرانی که البته مورد اعتماد وی می باشد به ثبت می رسانند.

* طبق گفتگویی که نگارنده با یکی از مهاجران افغانی داشته است.

× اگر تحصیلکرده ها را (ابتدایی، سیکل و بالاتر) که 30 درصد کل جمعیت هستند بعنوان کل یعنی 100 در نظر بگیریم، در صد تحصیلات سطوح مختلف تحصیلی را می توان بر مبنای 100 بدست آورد.

فقط اطلاعات 12 استان در دسترس بود.[×]

